

مفهوم و آثار اقتصادی حقوق مالکیت: رویکرد نهادگرایی

علی حسین صمدی*

استادیار بخش اقتصاد دانشگاه شیراز

محسن رنانی

دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان

رحیم دلالی اصفهانی

استادیار گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۹/۱۴ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۶/۱۲/۴)

چکیده:

این مقاله با هدف نشان دادن اهمیت تحلیل های اقتصاد نهادگرایی، به عنوان یک تحلیل مکمل در تجزیه و تحلیل مسائل اقتصادی، به بررسی مفهوم و آثار اقتصادی حفاظت از حقوق مالکیت پرداخته است. برای رسیدن به این هدف، ضمن ارائه تعاریف متعدد از حقوق مالکیت، مشخص شد که حفاظت از حقوق مالکیت باعث انباشت سرمایه های فیزیکی، انسانی و اجتماعی، افزایش پس انداز، افزایش کارایی اقتصادی، تخصیص بهینه منابع، کاهش فعالیت های رانت جویی خصوصی و دولتی و در نهایت تسریع رشد و توسعه اقتصادی و در یک کلام بهبود عملکرد اقتصادی می شود. در باره مسئولیت حفاظت از حقوق مالکیت نیز می توان این نتیجه را گرفت که نظام اقتصادی جامعه و وضعیت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی آن، راهبرد بهینه حفاظت از مالکیت را تعیین می کنند.

واژگان کلیدی:

حقوق مالکیت، حفاظت، انباشت سرمایه های فیزیکی، انسانی و اجتماعی، پس انداز، کارایی اقتصادی، تخصیص بهینه منابع، فعالیت های رانت جویی، رشد و توسعه اقتصادی.

۱. مقدمه

بانک جهانی برای توسعه اقتصادی کشورهای فقیر جهان بر اهمیت حفاظت از حقوق مالکیت و تضمین آن تأکید می‌کند (موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۸، ص ۱۰). تم اصلی کتاب اولسون نیز این است که توسعه اقتصادی در دنیای جدید با دو شرط زیر تضمین می‌شود:

۱- افراد باید مجموعه‌ای وسیع از حقوق تضمین شده (خصوصاً حقوق مالکیت و قراردادها) داشته باشند؛ و

۲- مالکین نباید از غارت بخش خصوصی یا دولت رنج ببرند (فرهنگ، ۱۳۸۵، ص ۶۲). همچنین دوستو به طرزی ماهرانه نشان می‌دهد که تنها راه رهایی کشورهای فقیر از فقر و استفاده مولد از دارایی‌های خود و تبدیل دارایی‌ها به سرمایه، تعریف حقوق مالکیت خصوصی و حفاظت از آن می‌باشد (تفضلی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۰).

تمام این مطالب بر اهمیت خاص حقوق مالکیت در فرایند رشد و توسعه اقتصادی تأکید دارند. هدف این مقاله روشن ساختن این نقش و پیدا کردن پاسخی مناسب به سوالات زیر می‌باشد:

۱- چه کسی باید تعریف، تضمین و حفاظت از حقوق مالکیت را بر عهده بگیرد تا رشد اقتصادی در کشور تسریع شود؟

۲- حفاظت از حقوق مالکیت و تعریف مناسب حقوق، چه آثار اقتصادی به دنبال خواهد داشت؟

بر این اساس، مقاله حاضر در پنج قسمت تنظیم شده است. در قسمت دوم مقاله تعاریف متعدد از حقوق مالکیت به اجمال بررسی شده است. در بخش سوم مقاله، برخی آثار اقتصادی حقوق مالکیت تشریح شده است. بخش چهارم مقاله نیز به دنبال یافتن پاسخ به این سوال است که مسئولیت حفاظت از حقوق مالکیت بر عهده کیست؟ در بخش نهایی نیز یک ارزیابی از مطالب ارائه شده صورت گرفته و پیشنهادهایی ارائه می‌شود.

۲. تعریف و مفهوم حقوق مالکیت^۱

برای حقوق مالکیت تعاریف متعدد در متون اقتصادی ارائه شده است. این تعاریف از جنبه‌های متعدد به بحث حقوق مالکیت می‌نگرند، و یک اجماع و توافق عمومی درباره مفهوم حقوق مالکیت در بین اقتصاددانان وجود دارد. این در حالی است که تعاریف ارائه شده توسط اقتصاددانان گاهی اوقات با تعاریف مد نظر حقوق‌دانان مغایرت دارد.^۲ در زیر چند تعریف مهم آورده می‌شود.

به اعتقاد کامونز، حقوق مالکیت، حقوق مربوط به کمیابی (Rights to Scarcity) بوده و شامل تمام فعالیت‌هایی می‌شود که افراد یا جامعه در انجام یا عدم انجام آن و در تملک یک دارایی آزاد می‌باشند (Kaufman, 2003, p.73). کامونز برخلاف اقتصاددانان کلاسیک، حقوق مالکیت را معین و داده شده فرض نمی‌کند و نشان می‌دهد که حقوق مالکیت محصول کنش جمعی است (Kaufman, 2003, p.94).

از دیدگاه آلچیان، حقوق مالکیت به مفهوم برخی حمایت‌ها در مقابل انتخاب سایر افراد می‌باشد که برخلاف خواسته فرد تمایل به استفاده از منابع دارند. این تعریف مطابق با نظر حقوق‌دانان و بالاخص تعریف هوفلد می‌باشد (Cole and Grossman, 2001, p.7).

دمستر حقوق مالکیت را ابزاری در اختیار جامعه می‌داند که به افراد در شکل‌دهی انتظارات متقابل، کمک می‌کند. این انتظارات در قالب قوانین، رسوم و سنن یک جامعه بیان می‌شوند (رنانی، ۱۳۸۰، ص ۳۴۸). به تعبیر دمستر «حقوق مالکیت بیان‌کننده حق نفع رساندن یا ضرر زدن به خود یا دیگران است... پس روشن است که حقوق مالکیت تصریح می‌کند که چگونه افراد می‌توانند منتفع یا متضرر شوند و بنابراین چه کسی باید به چه کسی بپردازد تا فعالیت‌هایی که افراد انجام می‌دهند، اصلاح و تعدیل شود» (رنانی، ۱۳۸۰، ص ۷۱۶).

نورث حقوق مالکیت را حقوق افراد برای بهره‌مندی از منافع کار تحت تملک خود یا بهره‌مندی از منافع کالاها و خدماتی که آنها را تصرف کرده‌اند، تعریف می‌کند (معینی، ۱۳۷۷، ص ۵۶).

۱. مالکیت (Property)، حقوق مالکیت (Property rights) و اعمال حقوق مالکیت (PR Enforcement) مفاهیم متفاوتی می‌باشند و تعاریف زیادی نیز از هر کدام ارائه شده است. در این قسمت مفهوم و تعریف حقوق مالکیت مد نظر است و از پرداختن به سایر مفاهیم خودداری می‌شود. یک تمایز روشن بین این مفاهیم در رنانی (۱۳۸۴، ص ۲۸۷) آورده شده است.

۲. کال و گروسمن (Cole and Grossman, 2001) تشریح می‌کنند که چگونه اقتصاددانان گاهی اوقات تعاریف متفاوتی از حقوق مالکیت در مقایسه با حقوق‌دانان ارائه می‌دهند و اینکه چگونه این تعاریف مختلف و اگر باعث می‌شود که به تحلیل‌های اقتصادی لطمه وارد شده و منجر به فهم اشتباه مطالب شود.

از دیدگاه اجرتسون، حقوق مالکیت، حقوق افراد در استفاده از منابع می‌باشد (Norton, 2000, p. 322). از دیدگاه وی دو مفهوم متمایز از حقوق مالکیت وجود دارد: الف) حقوق مالکیت اقتصادی (Economic Property Right) و ب) حقوق مالکیت قانونی (Legal Property Right). حقوق مالکیت اقتصادی فرد روی یک کالا یا دارایی، توانایی افراد در مصرف کالا یا خدمات دارایی و به طور غیرمستقیم از طریق مبادله آن تعریف می‌شود. این توانایی شامل حق استفاده از یک دارایی، حق کسب درآمد از یک دارایی و قرارداد با سایر افراد و حق انتقال مالکیت دائم به گروه دیگر می‌باشد. اما حقوق مالکیت قانونی، حقوق مالکیتی است که توسط دولت به رسمیت شناخته شده و اعمال می‌شود. در واقع حقوق مالکیت قانونی، حقوقی است که از طریق دولت اعطاء می‌شود و پشتیبانی برای بهره‌مندی از حقوق مالکیت اقتصادی است^۱ (Vandenberg, 1999, p. 11).

فدرک و همکاران در تحقیق خود، تعریف زیر را از حقوق مالکیت مورد استفاده قرار داده‌اند که بر هفت مولفه آن تاکید می‌شود: «حقوق مالکیت (Ownership) شامل حق تصرف (Possess)، حق استفاده، حق مدیریت، حق سرمایه‌گذاری، لزوم انتقال، مسئولیت اجرا و حق حفاظت می‌باشد»^۲ (Fedderke et al., 2001, p. 115).

۳. آثار اقتصادی حقوق مالکیت

بسیاری از نویسندگان معتقدند که حقوق مالکیت حفاظت شده (Secure Property Rights) از کانال‌های متعدد بر اقتصاد اثر می‌گذارند. در برخی از مطالعات، تأثیر حقوق مالکیت تضمین شده بر فعالیت‌های کارآفرینی و فناوری، رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری، انباشت عوامل اقتصادی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، پس‌انداز، تجارت، رانت جویی و حکمرانی، انباشت سرمایه اجتماعی و استفاده کارا از منابع مورد بررسی نظری و تجربی قرار گرفته است. در ادامه این قسمت به طور مبسوط برخی از این آثار اقتصادی حقوق مالکیت توضیح داده خواهد شد.

۱. این تعریف و تقسیم‌بندی در سایت موسسه رونالدکوز (Ronald Coase Institute) و هم چنین در کتاب زیر نیز پذیرفته و ارائه شده است:

۲. Barzel, Y (1997), *Economic Analysis of Property Rights*, Cambridge: Cambridge University Press.

در اقتصاد نهادگرایی جدید، مالکیت و تصرف دو مفهوم جداگانه اما مرتبط به هم می‌باشند. برای مطالعه بیشتر به استیگر (Steiger, 2006) خصوصاً صفحات ۱۸۷-۱۸۵ مراجعه کنید. البته دمستز (۱۹۹۸ ص ۱۴۵) معتقد است اقتصاد نهادگرایی جدید قادر نیست که بین این دو اصطلاح تمیز قائل شود و تمیز اشاره شده توسط آنها یک تمیز اشتباه است (دمستز، ۱۹۹۸، صفحات ۱۹۶-۱۹۴). برای مطالعه بیشتر به مقاله زیر مراجعه کنید.

- Demsetz, H (1998), "Property Rights", *The New Palgrave Dictionary of Economic and the Law III*, 144-155 : London: Macmillan.

۳-۱. حقوق مالکیت و انباشت سرمایه (فیزیکی، انسانی و اجتماعی)

تعریف رسمی حقوق مالکیت و در واقع یکپارچه کردن نظام مالکیت (ادغام بخش خارج از قانون در بخش رسمی)، از طریق شش تأثیری که ایجاد می‌کند، باعث تولید و انباشت سرمایه فیزیکی می‌شود. این شش تأثیر عبارتند از (تفضلی، ۱۳۸۵، صص ۹۰-۷۵):

- ۱- تعیین قدرت بالقوه اقتصادی دارایی‌ها، ۲- جمع‌آوری اطلاعات پراکنده در یک نظام،
- ۳- پاسخگو کردن مردم، ۴- معاوضه پذیر کردن دارایی‌ها، ۵- شبکه بندی مردم و ۶- حمایت از معاملات.

تعریف و تضمین حقوق مالکیت منجر به این می‌شود که دارایی‌ها به آسانی به سرمایه فیزیکی تبدیل شوند و دوسوتو فرایند چنین تبدیلی را در شش مورد اشاره شده می‌داند. وی می‌نویسد: «افزایش قابل توجه سرمایه در غرب طی دو قرن اخیر نتیجه بهبود تدریجی نظام‌های مالکیت بوده است که به کارگزاران اقتصادی اجازه داد تا به قدرت بالقوه دارایی‌های شان پی ببرند و بنابراین در موقعیتی باشند تا پول غیرتورمی تولید کرده و با آن بتوانند تولید اضافی خلق کرده و از نظر مالی تامین کنند» (تفضلی، ۱۳۸۵، ص ۹۳). تعریف و تضمین حقوق مالکیت باعث می‌شود که افراد به دارایی‌های خود (مانند خانه) به عنوان یک مفهوم اقتصادی و اجتماعی بنگرند. چنین نگرشی باعث خواهد شد که دارایی‌ها از حالت «سرمایه بیکار و مرده» به «سرمایه زنده» تبدیل شوند. برای اینکه بتوان از دارایی‌های فیزیکی ارزشی اضافه‌تر از ارزش خود آنها تولید کرد، نیاز به تعریف دقیق حقوق مالکیت و حفاظت از آن در چارچوب یک نظام یکپارچه است.

برای استفاده از فرصت‌های موجود جهت ایجاد ارزش اضافی از دارایی‌ها، نیاز به اطلاعاتی درباره ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی هر دارایی است. تعریف نادقیق و گاهی اوقات نبود یک تعریف درست و واضح از حقوق مالکیت باعث می‌شود که افراد اطلاعات پراکنده درباره ویژگی اقتصادی و اجتماعی یک دارایی داشته باشند، به گونه‌ای که در بخش خارج از قانون، مبادلات به مبادلات شخصی محدود شده و دارایی به سرمایه مولد و زنده تبدیل نشود. اما در صورت وجود تعریف روشن و دقیق از حقوق مالکیت و ایجاد یک نظام مالکیت یکپارچه، این اطلاعات به آسانی در دسترس قرار می‌گیرد و افراد به راحتی می‌توانند فرصت‌های موجود را ارزیابی کرده و بنابراین تولید سرمایه کنند.

یکی دیگر از کارکردهای نظام مالکیت رسمی، پاسخگو کردن مردم در مقابل رفتارهای خود می‌باشد. هنگامی که حفاظت قانونی از حقوق مالکیت صورت نگیرد، مردم مجبور خواهند شد برای حمایت از حقوق دارایی‌های خود به روابط همسایگی و ترتیبات محلی روی آورند و تنها توسط اقوام درجه یک و همسایه‌های خود به عنوان طرف قرارداد، جدی گرفته

شوند. تعریف و تضمین حقوق مالکیت برای تمام افراد (یعنی ادغام تمام نظام‌های مالکیت موجود در کشور در یک قانون مالکیت رسمی) باعث خواهد شد که افراد از ترتیبات محدود محلی‌رهایی یافته و در داخل یک نظام منسجم‌تر پاسخگوی رفتارهای اقتصادی و اجتماعی خود باشند.

هرگاه تعریف رسمی از حقوق مالکیت صورت نگرفته و یا ضمانت اجرایی نداشته باشد (به عبارت دیگر هرگاه حقوق مالکیت مخدوش باشد)، در این صورت دارایی، تنها وضعیت فیزیکی به خود گرفته و نمی‌توان آن را تقسیم، ترکیب یا تجهیز کرد. بدون شک، این نماد مالکیت رسمی است که ویژگی‌های اقتصادی یک دارایی را از وضعیت فیزیکی آن جدا کرده و دارایی را معاوضه‌پذیر می‌کند، به گونه‌ای که با هر معامله‌ای هماهنگ شود. چنین نمادی باعث می‌شود که معاملات تجاری تشویق شده و به عنوان جانشینی معقول برای دارایی‌های فیزیکی عمل کند (تفضلی، ۱۳۸۵، ص ۸۵).

«نظام مالکیت قانونی یک کشور پیشرفته، مرکز شبکه پیچیده ارتباطات است که شهروندان عادی را مجهز می‌کند تا بتوانند هم با دولت و هم با بخش خصوصی ارتباط برقرار کنند و بنابراین کالاها و خدمات اضافی را به دست آورند» (تفضلی، ۱۳۸۵، ص ۸۸-۸۷). در واقع تعریف رسمی مالکیت می‌تواند افراد را از چند طریق به شبکه‌ای از کارگزاران تجاری قابل شناسایی فردی و مسئول تبدیل کند. این کار از طریق معاوضه‌پذیر کردن دارایی‌ها، دسترسی آسان به اطلاعات مربوط به سابقه دارایی‌ها و مالکان و همچنین اتصال مالکان به دارایی‌ها، دارایی‌ها به نشانه‌ها و مالکیت به بهره‌برداری انجام می‌شود. در چنین صورتی شبکه ایجاد شده باعث خواهد شد که ترکیب‌های با ارزش‌تر از دارایی‌ها صورت گرفته و در انباشت سریع سرمایه کمک کند. علت ایجاد چنین شبکه‌ای بدون شک به حمایت از معاملات بر می‌گردد. هرگاه از مالکیت به شکل قانونی حفاظت شود، افراد و معامله‌گران، حقوق مالکیت خود را به بازار خواهند برد و نه کالای خود را.

نورث نیز بیان می‌کند که ناامنی حقوق مالکیت باعث می‌شود که بنگاه از روش‌های فنی با سرمایه اندک و بدون نیاز به عقد قراردادهای درازمدت استفاده کند (معینی، ۱۳۷۷، ص ۱۱۰). در این صورت بنگاه‌ها به جز بنگاه‌های تحت حمایت یا مدیریت دولت، کوچک خواهند شد. از این عبارت نورث می‌توان چنین استنباط کرد که حفاظت کامل از حقوق مالکیت و امنیت ناشی از آن باعث انباشت بیشتر سرمایه خواهد شد. نورث شاهد تاریخی چنین امری را انگلستان قرن هفدهم می‌داند که آن زمان افزایش امنیت حقوق مالکیت منجر به گسترش سریع بازارهای سرمایه خصوصی و دولتی شد (تفضلی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۷-۲۱۶).

به طور کلی می‌توان چنین نتیجه گرفت که هرگاه خطر ناشی از مصادره و توقیف اموال به واسطه مخدوش شدن حقوق مالکیت خصوصی زیاد باشد، در چنین صورتی سرمایه فیزیکی حالت فرار (Shy) داشته و به سرمایه زنده تبدیل نخواهد شد. در چنین وضعیتی، جریان خروج سرمایه از کشور افزایش یافته و جریان ورود آن کاهش خواهد یافت.

عدم حفاظت از حقوق مالکیت همچنین بر انباشت سرمایه انسانی تأثیر منفی می‌گذارد. در صورت مخدوش شدن حقوق مالکیت و یا نبود حفاظت قانونی از آن، و همچنین در صورت محدود شدن دسترسی به کسب و کار رسمی، بازدهی آموزش و تقاضا برای آموزش رسمی کاهش خواهد یافت. در این حالت آموزش‌های رسمی جای خود را به آموزش‌های خانوادگی داده و به شکل یادگیری از طریق انجام کار، محدود خواهد شد. این موارد به همراه سایر آثار مخدوش بودن حقوق مالکیت، منجر به کاهش انباشت سرمایه انسانی خواهند شد (Heitger, 2004, p. 395).

انباشت سرمایه اجتماعی (Social Capital) و حفاظت از حقوق مالکیت نیز ارتباطی مستقیم با هم دارند. جهت بررسی رابطه بین حفاظت از حقوق مالکیت و انباشت سرمایه اجتماعی می‌توان براساس دو شاخص حفاظت (کامل) از حقوق مالکیت و عدالت (کامل)، یک ناحیه چهارگانه‌ای را برای وضعیت هنجاری جامعه به صورت زیر در نظر گرفت (موبدفر، ۱۳۸۵، صص ۱۰۵-۱۰۳).

ناحیه اول، حفاظت کامل از حقوق مالکیت و عدالت کامل (حفظ هنجار)؛

ناحیه دوم، حفاظت کامل از حقوق مالکیت و تبعیض کامل (تغییر هنجار)؛

ناحیه سوم، عدم حفاظت از حقوق مالکیت و تبعیض کامل (هنجار ستیزی)؛

ناحیه چهارم، عدم حفاظت از حقوق مالکیت و عدالت کامل (هنجارگریزی)؛

عادلانه بودن هنجارها باعث می‌شود که افراد اعتقاد به حفظ آن داشته و تبعیض آمیز بودن آنها منجر به این می‌شود که افراد به دنبال تغییر آن بوده یا به آنها پای‌بند نباشند. تمامی این رفتارها و اقدامات (پای‌بندی به هنجارها و یا اقدام به تغییر آنها) همراه با هزینه است و آنچه که این هزینه‌ها را معین می‌کند، حقوق مالکیتی است که در چارچوب قوانین رسمی و غیررسمی تعریف شده باشد. برای حفظ یا تغییر هنجارها و یا در واقع برای تشکیل سرمایه اجتماعی در حد زیاد، نیاز به حفاظت کامل از حقوق مالکیت می‌باشد. بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که هر چقدر حقوق مالکیت مخدوش شود، سرمایه اجتماعی نیز دچار مشکل شده و روند تشکیل آن نزولی خواهد شد.

۲-۳. حقوق مالکیت و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی

یکی از مباحث اساسی در اقتصاد سیاسی توسعه، بحث تحول و تکامل حقوق مالکیت و تاثیر آن بر سرمایه‌گذاری (بخش خصوصی و دولتی) است. صرف نظر از این که حفاظت از حقوق مالکیت بر عهده دولت یا بخش خصوصی است^۱، می‌توان آثار آن بر سرمایه‌گذاری را در دو سطح خرد و کلان تحلیل کرد.

نورث بیان می‌کند که ساختار پذیرفته شده حقوق مالکیت و اجرای قراردادها با کاهش عدم اطمینان و یا حذف کامل آن، انگیزه سرمایه‌گذاری در عوامل انباشت شونده را تحت تاثیر قرار می‌دهد (آزاد ارملی، ۱۳۷۸، ص ۵۰). هرگاه حقوق مالکیت به صورت ضعیف حفاظت شود، بین تولید نهایی سرمایه و نرخ بازدهی مورد انتظار سرمایه‌گذاران شکاف ایجاد خواهد شد. بنابراین در صورتی که بازدهی مورد انتظار سرمایه‌گذاران متفاوت باشد، حتی با تولید نهایی یکسان سرمایه در دو کشور متفاوت، نرخ سرمایه‌گذاری کل کشور یکسان نخواهد بود. اسونسون (Svensson, 1998, P. 1319-1325) تحلیل نورث را یک مرحله جلوتر برده و به اثرگذاری معکوس بی‌ثباتی سیاسی بر انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در زیر ساخت‌های قانونی توسط دولت اشاره می‌کند. وی در قالب یک الگوی اقتصاد سیاسی نشان داده است که در جوامع بی‌ثبات و قطبی شده، با توجه به اینکه حقوق مالکیت به صورت ضعیفی اجرا می‌شود، دولت تمایل اندک به سرمایه‌گذاری در زیر ساخت‌های قانونی دارد. این نیز به نوبه خود باعث کاهش سطوح سرمایه‌گذاری خصوصی واقعی می‌شود. به عبارت دیگر، بی‌ثباتی سیاسی از طریق سازوکار کیفیت حقوق مالکیت، تاثیری معکوس بر سرمایه‌گذاری خصوصی دارد. این نتایج نظری در مطالعه اسونسون با داده‌های بین کشوری حدود ۱۰۰ کشور تایید شده است.

تورنل و ولاسکو ارتباط نظام ضعیف حقوق مالکیت در کشورهای در حال توسعه با سرمایه‌گذاری را از طریق رفتار گروه‌های همسود تشریح کرده‌اند. به اعتقاد آنها در چنین شرایطی، گروه‌های همسود به انباشت سرمایه داخلی گروه‌های دیگر دسترسی مشترک دارند و بنابراین می‌توانند به راحتی ثمره سرمایه‌گذاری داخلی افراد را به خود اختصاص دهند. این مسائل باعث می‌شود که در نظام مالکیت با حفاظت کمتر، افراد سرمایه‌گذاری کمتر داشته باشند (Tornell and Velasco, 1992, P. 1210).

جهت بررسی ارتباط مثبت بین حقوق مالکیت و تصمیمات مربوط به سرمایه‌گذاری در سطح خرد سه دیدگاه وجود دارد که عبارتند از: (Besley, 1995, P. 906).

۱- نظریه سستی، ۲- نظریه وثیقه، و ۳- دیدگاه سودهای ناشی از مبادله حقوق مالکیت. خلاصه‌ای از این نظریه‌ها در ادامه توضیح داده می‌شود.

۱. این مساله در قسمت چهارم همین مقاله بررسی خواهد شد.

۱- نظریه سنتی (یا نظریه غارت)

این دیدگاه، در ابتدا توسط دمستز و آلچیان مطرح و سپس توسط افراد دیگری مانند کُندر بسط داده شده است. براساس این دیدگاه، هرگاه کارگزارانی که فرصت سرمایه‌گذاری در اختیار دارند، نتوانند از اختصاص بازدهی‌های سرمایه‌گذاری‌های خود اطمینان حاصل کنند، در این صورت با مساله معروف سرقت مواجه خواهند شد. هرگاه ثمره سرمایه‌گذاری فرد به واسطه حمایت ضعیف از حقوق مالکیت توسط دیگران به غارت برود، فرد انگیزه کمتری برای سرمایه‌گذاری داشته و در صورت تضعیف این نظام، دیگر سرمایه‌گذاری نخواهد کرد. یک مساله مهم و مرتبط با چنین دیدگاهی این است که در غیاب حقوق مالکیت حفاظت شده، فرد برای افزایش شانس اختصاص بازدهی سرمایه‌گذاری به خود، با رقبای خویش وارد نزاع و جدل شده و منابعی را مصرف می‌کند. هرگاه انتظار این برود که بازدهی‌های سرمایه‌گذاری ناشی از سرمایه‌گذاری‌های کلان فرد، زیادتیر باشد، در این صورت فرد حتی منابع بیشتری را نیز صرف خواهد کرد. این هزینه‌های زدوخورد (Conflict Costs) باعث کاهش رفاه فرد، افزایش زیان رفاهی، کاهش بازدهی خالص مورد انتظار ناشی از سرمایه‌گذاری و در نهایت جذابیت کمتر سرمایه‌گذاری خواهد شد.

نتیجه کلی این بحث این است که در صورت نبود حقوق مالکیت، بازدهی‌های خالص مورد انتظار ناشی از سرمایه‌گذاری و بنابراین میزان سرمایه‌گذاری کاهش خواهد یافت [Besley, 1995, P. 906; Konrad, 2002, P. 1521-1522]. این دیدگاه در سطح کلان شبیه «نظریه دولت غارت گر» پیشنهادی نورث (آزاد ارملی، ۱۳۸۷، ص ۳۳) است.

۲- نظریه وثیقه (یا بازار اعتبار)

این نظریه را نیز می‌توان از دو دیدگاه خرد و کلان تحلیل کرد. از دیدگاه کلان می‌توان آثار حفاظت از حقوق مالکیت بر میزان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را از طریق بازار اعتبار و تامین مالی سرمایه‌گذاران تحلیل کرد.

حفاظت قانونی گسترده از حقوق مالکیت باعث گسترش وسایل و ابزارهای تضمین وام‌ها (وثیقه)، افزایش امکان ورود انواع دارایی‌ها به بازارهای مالی و همچنین افزایش امکان تبدیل و استفاده از دارایی‌های شخصی به عنوان سرمایه برای فعالیت‌های اقتصادی و در نهایت امکان تجمع سرمایه‌های کوچک در طرح‌های بزرگ می‌شود (رنانی، ۱۳۸۴، صص ۳۰۴-۳۰۲).

یکی از ویژگی‌های بازارهای مالی در کشورهای در حال توسعه این است که در اقتصاد این کشورها این بازار با پدیده سرکوب مالی (Financial Repression) مواجه است. چنین پدیده‌ای باعث خواهد شد که نرخ بهره در بازارهای رسمی سازمان یافته تغییری نداشته باشد.

حال تاثیر حفاظت گسترده از حقوق مالکیت این خواهد شد که نرخ بهره در بازارهای غیررسمی سازمان نیافته کاهش یافته و در بازار رسمی و سازمان یافته تغییری نکند. بنابراین علاوه بر یکپارچه شدن بازارهای مالی، نرخ بهره کاهش یافته و همراه با کاهش ریسک و عدم اطمینان، سرمایه‌گذاری کل بخش خصوصی افزایش خواهد یافت.

با در نظر گرفتن افزایش امکان ورود انواع دارایی‌ها به بازارهای مالی، عرضه سرمایه در هر دو بازار افزایش یافته و وجوه قابل وام برای سرمایه‌گذاری افزایش خواهد یافت. در این صورت، با افزایش حفاظت گسترده از حقوق مالکیت، امکان افزایش سرمایه‌گذاری بیشتر خواهد شد (رنانی، ۱۳۸۴، صص ۳۰۴-۳۰۲، و صمدی، ۱۳۷۷، صص ۲۸۳-۲۸۱ و ۱۳۶-۱۳۲).

از دیدگاه خرد، تاثیر افزایش حفاظت از حقوق مالکیت بر تصمیمات مربوط به سرمایه‌گذاری فرد را می‌توان از طریق منابع تامین مالی (داخلی و بیرونی) توجیه کرد.

در صورت مخدوش بودن حقوق مالکیت، فرد (بنگاه‌های کوچک) مجبور به تامین مالی از منابع داخلی است و دسترسی کمتر به وام‌های بانکی خواهد داشت. در این صورت کارگزار اقتصادی قادر به استفاده از مزیت کامل فرصت‌های سرمایه‌گذاری ایجاد شده نخواهد شد. اما در صورت تقویت وضعیت حقوق مالکیت (حفاظت بیشتر از آن)، فرد علاوه بر منابع داخلی قادر به استفاده از منابع بیرونی نیز شده و تقاضا برای وجوه قابل وام و سرمایه‌گذاری را افزایش داده و در نهایت سرمایه‌گذاری مجدد خویش را افزایش خواهد داد.

حمایت تجربی از این مباحث نظری، در مطالعات بسلی (Besley, 1995)، لپورتا و همکاران (LaPorta et al., 1997, 1998)، جانسون و همکاران (Johanson et al., 2002)، جاکوبی و همکاران (Jacoby et al., 2002) و کول و ایکس یو (Cull and Xu, 2005) صورت گرفته است.

۳- دیدگاه منافع ناشی از مبادله (انتقال) حقوق مالکیت

در دو قسمت قبلی، تأثیر بهبود وضعیت حقوق مالکیت بر سرمایه‌گذاری با این هدف بررسی شد که فرد تصمیمی برای مبادله و انتقال حقوق مالکیت خود به دیگران ندارد و قصد وی استفاده از فرصت‌های سرمایه‌گذاری بالقوه ناشی از حفاظت از آن است. اما می‌توان از منافع ناشی از مبادله حقوق مالکیت نیز بهره جست و اقدام به سرمایه‌گذاری کرد.

بسته‌های حقوقی افراد به دلایل متعدد می‌تواند به سختی قابل انتقال باشد و بنابراین انتقال و مبادله دارایی را با مشکل مواجه سازد. برخی از این دلایل را می‌توان به زیاد بودن هزینه خصوصی اعمال حقوق مالکیت و مخدوش بودن یا غیررسمی بودن آن نسبت داد. در چنین صورتی فرد دارایی خویش را وارد بازار نکرده و مجبور به استفاده شخصی خواهد شد و

بنابراین امکان استفاده بهینه از منافع حقوق مالکیت خویش (منافع استفاده از حق در حالت عدم مبادله و منافع ناشی از مبادله آن) را نخواهد داشت (رنانی، ۱۳۸۴، صص ۳۰۲-۲۹۸). هرگاه محدودیت‌های ناشی از مبادله حقوق مالکیت رفع شود (که به معنای تعریف و تضمین کامل حقوق مالکیت می‌باشد)، امکان افزایش فرصت‌های مبادله‌ای و افزایش توانایی افراد در استفاده از این منافع وجود داشته و در نهایت انگیزه‌های سرمایه‌گذاری افراد را افزایش خواهد داد. دلیل چنین امری را می‌توان به کاهش هزینه‌های داد و ستد در صورت حفاظت کامل از حقوق مالکیت نسبت داد (رنانی، ۱۳۸۴، صص ۲۹۹-۲۹۸؛ Besley, 1995, P.910-12).

۳-۳. حقوق مالکیت و پس‌انداز و مصرف بخش خصوصی

چشم‌پوشی از مصرف جاری به امید مصرف در دوره‌های آتی (یا پس‌انداز) به منافع مورد انتظار آتی و میزان اطمینان به دریافت واقعی چنین منافعی بستگی دارد. هرگاه احتمال غارت دارایی‌های فرد مثلاً به واسطه نبود حفاظت کامل قانونی از حقوق مالکیت و یا نبود تعریف واضح و روشن از آن، افزایش یابد، میزان اطمینان پس‌انداز کننده از بهره‌مندی منافع آتی پس‌انداز خویش کاهش خواهد یافت و مصرف جاری خویش را افزایش و پس‌انداز را کاهش خواهد داد.

حال براساس یک الگوی بین دوره‌ای، می‌توان الگوی رفتاری یک مصرف کننده با توجه به وضعیت حفاظت از حقوق مالکیت را تشریح کرد. فرض کنید که مصرف کننده با یک مساله تصمیم‌گیری دو دوره‌ای مواجه باشد. در دوره اول وی تصمیم می‌گیرد که چگونه درآمد خود را بین مصرف جاری و پس‌انداز تقسیم کند. اما تصمیم وی در دوره دوم درباره مصرف و انتخاب میزان تلاش کاری خواهد بود. فرض می‌شود که تلاش کاری فرد در یک محدوده خاصی (بین یک حداقل و یک حداکثر میزان) باشد. بنابراین، مصرف فرد در دوره دوم براساس درآمد ناشی از کار و بازدهی ناخالص ناشی از پس‌انداز وی در دوره اول خواهد شد. با این توضیحات، محدودیت بودجه‌ای مصرف کننده را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$Y = C_1 + S$$

دوره اول:

$$C_2 = (R - \theta)S + (W - t)L$$

دوره دوم:

که در آن Y ، C_1 ، C_2 ، S و L به ترتیب درآمد، مصرف دوره اول، مصرف دوره دوم، پس‌انداز و تلاش کاری فرد می‌باشد. W نرخ دستمزد، θ نرخ مورد انتظار غارت، t نرخ مالیات بر درآمد نیروی کار و بنابراین $(W-t)L$ درآمد خالص نیروی کار در دوره دوم می‌باشد.

هرگاه حقوق مالکیت به صورت کامل حفاظت شود و نرخ مورد انتظار غارت دارایی و اموال صفر باشد، در این صورت بازدهی پس انداز را می توان به صورت $R.S$ نوشت که در آن R نرخ بازدهی پس انداز (معادل یک باضافه نرخ بهره واقعی یا $1+r$) است. معمولاً در کتب درسی این فرض در نظر گرفته می شود و در این صورت به همان روابط خواهیم رسید. اما هم چنانکه نورث (۱۳۷۸، ص ۱۶) نیز اشاره کرده است، نرخ بازدهی پس اندازها به ساختار حقوق مالکیت بستگی دارد. در صورتی که وضعیت حقوق مالکیت به شیوه ای باشد که احتمال غارت وجود داشته باشد، در این صورت بازدهی پس انداز را می توان به صورت $(R-\theta)S$ نوشت که در آن θ نرخ مورد انتظار غارت می باشد. در واقع نرخ مورد انتظار غارت (θ) پارامتری است که ارتباط بین وضعیت حقوق مالکیت و رفتار پس انداز را به هم ربط می دهد. این نرخ به میزان اطمینان مربوط به دریافت منافع آتی حاصل از پس انداز جاری وابسته است. چنین اطمینانی نیز از وضعیت سیاسی و ساختار نهادی کشور حاصل می شود. بی ثباتی سیاسی و اجتماعی و مخدوش شدن حقوق مالکیت باعث مخاطره آمیز شدن پس اندازها و بازدهی های مورد انتظار آن می شود.

فرض کنید تابع مطلوبیت مصرف کننده به صورت زیر باشد:

$$U(C_1, C_2, L) = \gamma C_1 + C_2 - \mu L$$

که در آن γ یک باضافه نرخ ترجیح زمانی و μ نرخ نهایی جانشینی ثابت بین فراغت و مصرف دوره دوم است. هرگاه مصرف کننده تابع مطلوبیت خویش را با توجه به محدودیت بودجه ای توضیح داده شده حداکثر کند، تصمیمات پس اندازی و عرضه کار وی با فرض $L > 0$ و $S > 0$ به صورت زیر درمی آید.^۱

$$S = \begin{cases} Y - C_1 & \text{اگر } R - \theta \geq \gamma \\ & \text{با } R > \gamma \\ 0 & \text{اگر } R - \theta < \gamma \end{cases}$$

$$L = \begin{cases} L_{Max} & \text{اگر } W - t \geq \mu \\ & \text{با } W > \mu \\ L_{Min} & \text{اگر } W - t < \mu \end{cases}$$

۱. برای ملاحظه اثبات ریاضی به بسلی (Besley, 1995) صفحات ۹۰۸-۹۱۰ مراجعه کنید. این مساله در واقع یک مساله بهینه سازی مقید می باشد که مشروط بر مقادیر مثبت پس اندازی حل شده است. فرض شده است که فرد نمی تواند قرض بگیرد، هرچند وارد کردن این فرض تغییری در نتیجه بحث ایجاد نخواهد کرد.

از روابط بالا ملاحظه می‌شود که تصمیم مصرف کننده درباره پس انداز یا عدم پس انداز، به نرخ خالص غارت (نرخ بازدهی خالص مورد انتظار پس انداز $R-\theta$) و نرخ ترجیح زمانی (γ) بستگی دارد. هرگاه نرخ بازدهی خالص مورد انتظار ناشی از پس انداز بیش از نرخ ترجیح زمانی باشد، در این صورت حداکثر مقدار ممکن پس انداز را خواهد پذیرفت. در غیر این صورت اصلاً پس انداز نخواهد کرد (آزاد ارملی، ۱۳۷۸، ص ۱۶؛ و HajiIbrahim, 1996, p. 1-9).

هرچند در سطح خرد مطالعه‌ای تجربی وجود ندارد که ارتباط بین حفاظت از حقوق مالکیت و رفتار پس اندازی فرد را بررسی کند، اما در مطالعات در سطح کلان و در کشورهای در حال توسعه مانند مطالعه حاجی ابراهیم (HajiIbrahim, 1996) از تاثیر منفی بین نبود حقوق مالکیت حفاظت شده و پس اندازها حمایت شده است.

۳-۴. حقوق مالکیت و استفاده کارا از منابع و کارایی

نهادگرایان اعتقاد دارند که تخصیص منابع در جامعه از طریق ساختارهای نهادی متفاوت و خصوصاً روابط سیاسی مختلف صورت می‌گیرد. این اقتصاددانان اعتقاد دارند که بیشتر منابع در کشورهای در حال توسعه در اختیار نخبگان محلی و افراد دارای مناصب سیاسی است و اغلب یک تباری عمده بین نخبگان محلی و افراد دارای قدرت سیاسی در فرایند تخصیص منابع وجود دارد که باعث می‌شود تخصیص منابع تحت کنترل آنها باشد. در چنین فضایی، نبود یک تعریف واضح و روشن از حقوق مالکیت و حفاظت از آن باعث خواهد شد که تخصیص منابع به نفع افراد دارای قدرت سیاسی صورت گیرد.

از دیگر سو، کوز معتقد است که تعریف واضح و روشن از حقوق مالکیت و حفاظت از آن برای کارایی فعالیت‌های اقتصادی لازم می‌باشد. به اعتقاد وی انحرافات در بازار ناشی از عوارض خارجی را می‌توان در دنیای با اطلاعات کامل، مدیریت دقیق و اجرای قراردادها و هزینه‌های مبادله پایین، با تعریف واضح حقوق مالکیت برطرف کرد. در این راستا پناپوتو اعتقاد دارد که نبود تعریف روشن و واضح از حقوق مالکیت یا تعریف ناقص آن منجر به شکست بازار شده و بنابراین بر استفاده از منابع و مدیریت آن اثر سوء می‌گذارد. ریکر و ویمر (۱۹۹۹) نیز اعتقاد دارند که استفاده کارا از منابع اقتصادی به حقوق مالکیت موثر^۱ نیاز دارد (Prasad, 2003, p. 744-745; Veeman and Politylo, 2003, p. 322-325; Luterbacher, 2001, p. 3; Tiffin) (2006), p. 4-6) و آزاد ارملی، ۱۳۷۸، ص ۱۹۱).

۱. حقوق مالکیت موثر بدین معنی است که کارفرمایان اقتصادی، تخصیص منابع با ارزش و توزیع ثمرات حاصل از این تخصیص را کنترل می‌کنند. برخی از افراد حقوق مالکیت موثر را هم معنی با حقوق کنترل (Control rights) می‌دانند.

۳-۵. حقوق مالکیت و رانت (افزونه) جویی

فعالیت‌های رانت‌جویی معمولاً بازدهی فزاینده زیادی دارند و باعث می‌شوند که این فعالیت‌ها نسبت به سایر فعالیت‌های مولد، جذابیت بیشتری داشته باشند. هرگاه حقوق مالکیت خوب تعریف نشده و حفاظت نشود، در این صورت امکان جابه‌جایی غیرارادی و خودسرانه منابع و حقوق اقتصادی و بنابراین شکل‌گیری فعالیت‌های رانت‌جویانه، وجود خواهد داشت. این چنین فعالیت‌هایی در کل، رفاه جامعه را کاهش خواهد داد، اما عده‌ای منتفع و عده‌ای دیگر متضرر می‌شوند. منتفعین این فعالیت‌های غیرمولد به احتمال زیاد منابع بیشتر را برای شکل‌گیری و تثبیت این فعالیت‌ها صرف خواهند کرد. متضررین نیز برای جلوگیری از انتقال خودسرانه منابع، مبالغی را صرف خواهند کرد و بنابراین در کل رفاه جامعه کاهش می‌یابد. هرگاه وضعیت حقوق مالکیت به شکلی باشد که انگیزه‌های لازم برای انجام فعالیت‌های مولد را افزایش دهد، در این صورت رفاه را افزایش خواهد داد (خضری، ۱۳۸۴، صص ۸۸-۸۲؛ Morphy et al., 1993, p.409; Prasad, 2003, P.755-756; Sylwester, 2001, p.169, 175; Cheikbossian, 2003, p. 272; Tornell (1997), p. 222-223; Quigging, 1988, p.1077).

۳-۶. حقوق مالکیت و رشد و توسعه اقتصادی

اقتصاد مجموعه‌ای از خانوارها و بنگاه‌های با تصمیمات متعدد است که هر کدام از تصمیمات آنها شامل تعداد زیادی مبادله می‌باشد. هر مبادله نیز خود دادوستد بسته‌ای از حقوق مالکیت است. بنابراین، علم اقتصاد را می‌توان علم مطالعه نحوه داد و ستد بسته‌های حقوق مالکیت دانست. در این صورت توسعه اقتصادی چیزی جز مبادله سریع، ارزان و راحت بسته‌های حقوق مالکیت نخواهد بود (رنانی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۸؛ Waters, 1987, p.244; Clombatto, 2006, p.40-45; Sanogo, 2003, p.99-103).

آلچیان، علم اقتصاد را علم مطالعه حقوق مالکیت می‌داند. وی می‌نویسد: «هر سوال مربوط به قیمت‌گذاری، سوال حقوق مالکیت می‌باشد... نظام موجود حقوق مالکیت نظام تعیین قیمت برای مبادله یا تخصیص منابع کمیاب را ایجاد می‌کند» (Waters, 1987, p.103).

تعریف و حفاظت از حقوق مالکیت باعث می‌شود که افراد با نگهداری دارایی‌های مختلف، به متنوع‌سازی ریسک‌های مرتبط زمانی (Time-related Risks) غیرقابل اجتناب مربوط به دارایی‌ها پردازند. تغییرات اقتصادی باعث خواهد شد که افراد به ارزیابی مجدد دائمی از دارایی‌های خود پردازند. این تغییرات منجر به این می‌شود که برخی از افراد سود ببرند و برخی دیگر ضرر کنند. این الگوی مالکیت و هزینه‌های آن است که تعیین می‌کند چه چیزی ممکن بوده و سودآور خواهد شد. همچنین مالکیت دارایی است که باعث می‌شود افراد برای

نتایج عمل یا بی‌حرکتی خود مسئولیت‌پذیر باشند. هیچ فردی مسئول شکستی که در اقتصاد رخ می‌دهد، شناخته نمی‌شود. اما آنها در برابر چیزهایی که مالکشان بوده یا حقوق مشخص برای استفاده از آن دارند، مسئول می‌باشند. از آنجا که یک جنبه اساسی رشد اقتصادی این است که مسئولیت‌پذیری افراد را شامل می‌شود، تعریف و تضمین حقوق مالکیت است که چنین مسئولیت‌پذیری را ایجاد خواهد کرد.

توانایی افراد برای تصرف کالاها و مصرف آنها با عدم اطمینان روبرو است. این توانایی و قدرت، از طریق هنجارهای اجتماعی و به وسیله یک قدرت قانونی به وی اعطاء می‌شود. بنابراین برای کاهش این عدم اطمینان‌ها، یک نهاد قانونی (مانند حقوق مالکیت موثر) نیاز است. این نهاد با تأثیرگذاری بر انگیزه فعالین اقتصادی برای ایجاد ثروت جدید و انتقال نتایج تلاش‌های خود به نسل‌های آتی مدنظر افراد، باعث می‌شود افق زمانی برنامه‌ریزی افراد زیادتیر شده و برای پذیرش ریسک و برنامه‌ریزی آن (که کلید دیگری در پیشرفت اقتصادی است) آمادگی داشته باشند.

(Waters, 1987, p. 107-110; Prasad, 2003, p. 750-753; Colombatto, 2006, p. 243-245; Lin and Nugent, 1995, p. 2342-2347; Angjellari-Dajci, 2005, p. 7-11; Dincer, 2004, p. 1-7; Colombatto, 2004, p. 251-269; and Cross, 2002, p. 1739-1764)

۴. مسئولیت حفاظت از حقوق مالکیت: دولت یا بخش خصوصی؟

در سال ۱۹۶۰، رونالد کوز با طرح این سؤال که راهبرد بهینه حفاظت از حقوق مالکیت چیست، بحث‌هایی مجادله‌آمیز بین اقتصاددانان را برانگیخت که هنوز هم این بحث‌ها ادامه دارد. در متون در حال رشد، به طور کلی دو نظریه در این راستا ارائه شده است: (۱) نظریه نظم‌دهی خصوصی (Private-ordering View) و (۲) نظریه تمرکزگرایی قانونی (Legal-centralist View). طبق نظریه نظم‌دهی خصوصی، کارفرمایان اقتصادی برای به دست آوردن منافع متقابل ناشی از مبادله، بدون ارجاع به نقش دولت، حقوق مالکیت را تعریف و از آن حفاظت می‌کنند. اما در نظریه تمرکزگرایی قانونی برخلاف نظریه نظم‌دهی خصوصی، اعتقاد بر این است که حقوق مالکیت را باید دولت تعریف و تضمین کند. طرفداران این نظریه اعتقاد دارند که حقوق مالکیت بدون تقویت قانونی برنامه‌ریزی و بدون در نظر گرفتن انحصاری دولت نمی‌تواند وجود داشته باشد.

اما در پاسخ به این سؤال که مسئولیت حفاظت از حقوق مالکیت بر عهده کیست؟ مطالعات محدود وجود دارد. اسونسون (Svensson, 1998, p. 1317-1318) در قالب الگویی نشان داده است که دولت‌ها در جوامع بی‌ثبات از نظر سیاسی و قطبی شده (Polarized and Politically Instable Societies)، برای انجام اصلاحات قانونی جهت حمایت کامل از حقوق مالکیت انگیزه

کافی ندارند. در چنین جوامعی دولت در زیرساخت‌های قانونی سرمایه‌گذاری کمتر از حد بهینه انجام خواهد داد. همچنین کیفر و کنک (Keefer and Knack, 2002, p.147) بیان می‌کنند که قطب بندی اجتماعی، تغییرات عمده را در سیاست‌های فعلی از جمله سیاست‌های مربوط به حفاظت از حقوق مالکیت و قراردادها ایجاد می‌کند. مطالعه تجربی این پژوهش گران از این نظریه حمایت کرده است. نتایج تجربی برخی از مطالعات دیگر نشان داده است که ترتیبات خصوصی اجرای حقوق مالکیت و قراردادها، جانشین‌های موفقیت‌آمیز برای نهادهای قانونی نیست (Cross, 2002, p.1751).

نتایج الگوی نظری بسط داده شده توسط اندرسون و بندیرا (Anderson and Bandiera, 2005) نشان داده است که دولت‌های سودگرا (Utilitarian States) که با اجرای خصوصی بسیار توانمند مواجه هستند، ترجیح می‌دهند که نقش خود در حفاظت از حقوق مالکیت را کاهش دهند. اما دولت‌های مواجه با اجرای ضعیف حقوق، انگیزه‌ای برای افزایش نسبت حمایت دارند.

پراساد (Prasad, 2003, p.758) معتقد است که این نوع حقوق مالکیت نیست که عملکرد اقتصادی را تعیین می‌کند، بلکه نظام اقتصادی است که تعیین می‌کند چه نوع خصوصی از حقوق مالکیت ایجاد شود. بنابراین، ساختار نظام اقتصادی حاکم بر جامعه، نوع بهینه حقوق مالکیت و در نتیجه مسئول حفاظت از حقوق مالکیت را روشن خواهد کرد.

گلیسر و شلیفر (Glaeser and Shleifer, 2003) در قالب یک الگوی نظری و با مقایسه ترتیبات نهادی دادخواهی خصوصی (نظم‌دهی خصوصی)، تنظیم مقررات دولتی (تمرکزگرایی قانونی)، ترکیبی از هر دو یا نبود هر دو به این نتیجه رسیده‌اند که انتخاب بهینه راهبرد اجرای قانون، به آسیب‌پذیری اجرای قانون در کشور توسط گروه‌های قدرتمند وابسته است. بنابراین هر نهادی تحت شرایط خاصی مناسب خواهد بود.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در این مقاله ضمن ارائه تعاریف متعدد از حقوق مالکیت، مشخص شد که حفاظت از حقوق مالکیت باعث انباشت سرمایه‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی، افزایش پس‌انداز، افزایش کارایی اقتصادی، تخصیص بهینه منابع، کاهش فعالیت‌های رانت‌جویی خصوصی و دولتی و در نهایت تسریع رشد و توسعه اقتصادی و در یک کلام بهبود عملکرد اقتصادی می‌شود. در باره مسئولیت حفاظت از حقوق مالکیت نیز دو نظریه نظم‌دهی خصوصی و تمرکزگرایی قانونی ارائه شد. طبق نظریه نظم‌دهی خصوصی، کارفرمایان اقتصادی برای به دست آوردن منافع متقابل ناشی از مبادله، بدون ارجاع به نقش دولت، حقوق مالکیت را

تعریف و از آن حفاظت می‌کنند. اما در نظریه تمرکزگرایی قانونی برخلاف نظریه نظم‌دهی خصوصی، اعتقاد بر این است که حقوق مالکیت را باید دولت تعریف و تضمین کند. طرفداران این نظریه اعتقاد دارند که حقوق مالکیت بدون تقویت قانونی برنامه‌ریزی و بدون در نظر گرفتن انحصاری دولت نمی‌تواند وجود داشته باشد. در کل می‌توان این نتیجه را گرفت که نظام اقتصادی جامعه و وضعیت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی آن تعیین‌کننده مسئول حفاظت از حقوق مالکیت می‌باشد. بنابراین پیشنهاد خاص این مطالعه این است که با وجود آثار فراوان اقتصادی حفاظت از حقوق مالکیت، مسئولین قضائی کشور توجه بیشتر به بحث حفاظت از حقوق مالکیت داشته و به ترکیب بهینه‌ای از مسئولیت حفاظت دست یابند.

منابع و ماخذ

الف - فارسی

۱. آزاد ارمکی، غلامرضا (۱۳۷۸)، ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی، تالیف داگلاس نورث، نشر نی، تهران.
۲. تفضلی، فریدون (۱۳۸۵)، راز سرمایه (چرا سرمایه‌داری در غرب موفق می‌شود و در جاهای دیگر شکست می‌خورد؟)، تالیف هراندو دوستو، نشر نی، تهران.
۳. خضری، محمد (۱۳۸۴)، اقتصاد رانت جوئی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران.
۴. رنانی، محسن (۱۳۸۴)، بازار یا نابازار؟ بررسی موانع نهادی کارائی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران (چاپ دوم)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران.
۵. رنانی، محسن (۱۳۸۰)، به سوی یک تئوری در حقوق مالکیت، تالیف هرولد دمستز، فصلنامه تامین اجتماعی، شماره ۱۰.
۶. صمدی، علی حسین (۱۳۷۷)، اقتصاد پول در کشورهای درحال توسعه، تالیف سابراتا گاتاک، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
۷. فرهنگ، منوچهر (۱۳۸۵)، قدرت و رونق: فزون‌رشدی کمونیستی و استبداد سرمایه‌داری، تالیف منکور اولسون، موسسه عالی آموزشی و پژوهشی مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران.
۸. معینی، محمد رضا (۱۳۷۷)، نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، تالیف داگلاس نورث، سازمان برنامه و بودجه، تهران.
۹. موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی (۱۳۷۸)، نقش دولت در جهان در حال تحول، تالیف بانک جهانی، تهران.
۱۰. مویبد فر، رزیتا (۱۳۸۵)، بررسی تحولات سرمایه اجتماعی و پیامدهای اقتصادی آن در ایران، رساله دکتری اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، اصفهان.

ب - خارجی

1. Anderson, J. E., and O. Bandiera (2005), "Private enforcement and social efficiency", *Journal of Development Economics*, 77:341-366.
2. Angjellari-Dajci, F. (2005), "Output performance, institutions and structural policy reforms for transition economies", *Unpublished PhD Dissertation*, Kansas State University, P.1-110.
3. Bardhan, P. (2005), "Law and economics in the tropics: Some reflections", *International Review of Law and Economic*, 25: 65-74.
4. Basely, T. (1995), "Property rights and investment incentives: theory and evidence from Ghana", *The Journal of Political Economy*, 103 (5): 903- 937.

5. Brooks, R., S. Davidson, and R. Faff (2003), "**Sudden change in property rights: The case of Australian native title**", *Journal of Economic Behavior & Organization*, 52:427-442
6. Carruthers, B. G., and L. Ariovich (2004), "**The Sociology of property rights**", *Annual Review of Sociology*, 30: 23-46.
7. Cheikbossian, G. (2003), "**Property rights, rent-seeking and aggregate outcomes in transition economies**", *Economic Systems*, 27: 271-288.
8. Cole, D. H., and, P. Z. Grossman (2001), "**The meaning of property rights: Law vs. Economics?**" www.google.com, 1-6.
9. Colombatto, E. (2004), "**Are property rights relevant for development economics? On the dangers of western constructivism**", In Colombatto, E. (Ed), **The Elgar Companion to the Economics of Property Rights**, Edward Elgar Publishing, 2004, P.62-76.
10. Colombatto, E. (2006), "**On economic growth and development**", *Review of Austrian Economics*, 19: 243-260.
11. Cross, E. B. (2002), "**Law and economic growth**", *Texas Law Review*, 80 (7): 1736-1775.
12. Cull, L., and L. C. Xu (2005), "**Institutions, ownership, and finance: the determinants of profit reinvestment among Chinese firms**", *Journal of Financial Economics*, 77:117-146.
13. Dincer, O. C. (2004), "**Three essays on the effects of institutional quality on economic growth and development**", **Unpublished PhD Dissertation**, University of Oregon, 1-80.
14. Fedderke, J.W., R. H. J. de Kadt, and J. M. Luiz (2001), "**Indicators of political liberty, property rights and political instability in South Africa: 1935-97**", *International Review of Law and Economic*, 21: 103-139.
15. Grossman, H. I., and M. Kim(1996), "**Predation and accumulation**", *Journal of Economic Growth*, 1: 333-350.
16. Grossman, H. J. (2001), "**The creation of effective property rights**", *AEA Papers and Proceedings*, 91 (2): 347-352.
17. Haji Ibrahim, M. (1996), "**Property rights security and savings behavior in developing countries**", **Unpublished PhD Dissertation**, Washington University, 1-60.
18. Heitger, B. (2004), "**Property rights and the wealth of nations: A cross-country study**", *Cato Journal*, 23:381-402.
19. Jacoby, H., G. Li , and S. Roselle (2002) , "**Hazards of expropriation : tenure insecurity and investment in rural China**" , *American Economic Review* , 92(5):1420-1447.
20. Johnson, S., J. McMillan, and C. Woodruff (2002), "**Property rights and finance**", *The American Economic Review*, 92(5):1335-1356.
21. Kaufman, B. E. (2003), "**The organization of economic activity: insights from the institutional theory of John. R. Commons**", *Journal of Economic Behavior & Organization*, 52: 71-96.
22. Keefer, P., and S. Knack (2002), "**Polarization, politics and property rights and growth**", *Public Choice*, 111: 127-154.
23. Konrad, K. A. (2002), "**Investment in the absence of property rights: the role of incumbency advantages**", *European Economic Review*, 46: 1521-1537.
24. La Porta , R. , López-de-Silane , F. , Shleifer , A. , and Vishny (1997) , "**Legal determinants of external finance**" , *Journal of Finance* , P.85-96.
25. La Porta , R. , López-de-Silane , F. , Shleifer , A. , and Vishny (1998) , "**Law and finance**" , *Journal of Political Economy* , 106(6):1113-1155.
26. Luterbacher, U. (2001), "**Property rights, state structures, and international cooperation**", *Peace Economic, Peace Science and Public Policy*, 7 (3): Article 1, PP.1-24.
27. Murphy, K. M., A. Shleifer, and R. W. Vishny (1993), "**Why is rent-seeking so costly to growth?**", *The American Economic Review*, 83 (2): 409-414.
28. Norton, S. W. (2000), "**The Cost of diversity: Endogenous property rights and growth**" , *Constitutional Political Economy*, 11(4):319-337.
29. Norton, S. W. (2003), "**Economic institutions and human well-being: A cross-national analysis**" , *Eastern Economic Journal*, 29 (1): 23-40.
30. Prasad, B. C. (2003), "**Institutional economics and economic development: The theory of property rights, economic development, good governance and the environment**", *International Journal of Social Economic*, 30 (6): 741-726.

31. Quiggin, J. (1988), "**Private and common property rights in the economics of the environment**", Journal of Economic Issues, 22(4): 1071-1087.
32. Sanogo, R. (2003), "**The effects of insecure property rights on investment and economic growth in Sub-Saharan-African countries**", Unpublished PhD Dissertation, University of Cincinnati, pp.50-116.
33. Shavell, S. (2003b), "**Foundations of Economic Analysis of Law**", Harvard university Press, PP. 1-80.
34. Svensson, J. (1998), "**Investment, property rights and political instability: theory and evidence**", European Economic Review, 42: 1317-1341.
35. Sylwester, K. (2001), "**A Model of institutional formation within a rent seeking environment**", Journal of Economic Behavior & Organization, 44: 169-176.
36. Tiffin, A. (2006), "**Ukraine: The cost of weak Institutions**", IMF working paper, No. 06/167, pp.1-20.
37. Tornell, A. , and A. Velasco (1992) , "**The Tragedy of commons and economic growth : why does capital flow from poor to rich countries ?**", Journal of Political Economy, 100(6):1208-1231.
38. Tornell, A. (1997), "**Economic growth and decline with endogenous property rights**", Journal of Economic Growth, 2: 219-250.
39. Vandenberg, P. (1999), "**North institutionalism and problem of combining theoretical approaches**", Department of Economics, University of London, PP.1-29.
40. Waters, A. R. (1987), "**Economic growth and the property rights regime**" Cato Journal , 7(1):99-115.